

حکایت رمضان

سیدعلی آتش‌زند

صورتگر نقاش، هر لحظه تویی سازم
و آن‌که همه بتها را در پیش تو بگذارم

از دیرباز، ماه رمضان برای مسلمانان، از جمله مردم ایران، ماهی دیگرگونه بوده است. رمضان ماه ماندن‌ها است؛ ماه هلال نو، ماه ماندهٔ افطار، ماه تبرک سحری و ماه رزق آسمانی. در این ماه حتی سفرهای مردم به گونه‌ای دیگر بهن می‌شود. در این میان، صدا و سیما، جمهوری اسلامی نیز در اقدامی در خور تقدیر، سفرهٔ رسانه را متفاوت از دیگر ایام گسترده است؛ اقدامی که اگر متناسب با اقتضائات ایمانی مردم اندیشیده شود و با توجه به ظرایف پرشمار آن، به سرانجام رسد، خاطرهٔ رمضان مبارک را در حال و جان مخاطبان، شیرین و متعالی خواهد ساخت.

در سال‌های اخیر، رویکرد ویژه به برنامه‌های نمایشی ماه رمضان، حال و هوای ویژه‌ای به رسانه و مردم بخشیده است. در پس این رویکرد است که سریال‌های ماه رمضان به پدیده بدل گشته‌اند. در جامعه موارد پرشماری طرح می‌گردد و نظرها و سخن‌ها را به خود معطوف می‌دارد؛ لیکن تنها مواردی اندک است که ذهن و جان مردم را چندان درگیر خود می‌سازد که پدیده شوند. سریال‌های ماه رمضان چند سال است که مسئلهٔ رسانه‌های کشور گردیده‌اند. این فرصتی برای رسانه است که در شرایط جدید، بیابد و بر حوزهٔ تأثیرگذاری خویش بیفزاید.

ماه مبارک رمضان از سویی، فرصتی است سزاوار توجه برای رسانه ملی، جهت ارائهٔ تجربه‌های نوین و تأثیرگذار و از دیگر سویی، آزمونی است دقیق برای مدیران و برنامه‌سازان تا خیل عظیم مخاطبان را عرصهٔ انتقال حسن و حال و باور ایمانی خود دارند.

گستره مخاطبان پر تنوع در ماه مبارک رمضان، امکانی بی‌بدیل است که این سنت نیک در اختیار رسانه نهاده است. بسیاری از مؤمنان و فرهیختگانی که کمتر از تلویزیون بهره می‌برند، در این ماه کم و بیش به تماشای سریال‌های مذهبی می‌نشینند. بدیهی است که این امکان، برنامه‌ریزی اجرایی متناسب با جمعیت فراوان مخاطبان و تفاوت و تنوع اقشار مختلف را می‌طلبد. استقبال پر شمار مخاطبان نباید رسانه را به استغنا و توقف در وضعیت موجود دچار کند. مدیران و برنامه‌سازان باید به این نکته مهم توجه داشته باشند که این استقبال تنها به ماهیت و کیفیت کار آنان مربوط نمی‌شود و بخشی از آن، فراتر از کارکرد معمول رسانه است که اگر آن را منتقم شمارند و به اقتضای عوامل بیرون از رسانه سیاست‌گذاری نکنند، این جمعیت عظیم مخاطبان را برای همیشه با خود به همراه نخواهند داشت و سرمایه ارزشمند اقبال عمومی را به تدریج از کف خواهند داد.

در این میان، گاه پرسش‌هایی نیز به ذهن خطور می‌کند؛ پرسش‌هایی که نتیجه عملکرد رسانه ملی در سال‌های اخیر است. برای نمونه:

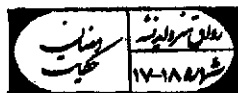
۱. چرا همه شبکه‌ها باهم مسابقه گذاشته‌اند که سریال نمایشی ۳۰ قسمتی، با رویکرد مخاطب عمومی تولید کنند؟ چرا برای تولید پروژهای جدی، هیچ تکنیک سنی انجام نمی‌شود؟ چرا جایگاه خیل عظیم کودکان و نوجوانان با میزان تأثیر پذیری بسیار بالا، در ماه مبارک رمضان فراموش شده است؟

با توجه به ملاحظات روان‌شناختی و مذهبی، نمایش برخی برنامه‌های مذهبی، مناسب سن کودک و نوجوان نیست و باید با ایجاد فاصله رسانه‌ای، توزیع مناسبی برای این برنامه‌ها تعریف گردد.

برای نمونه، تماشای سریال میوه منوعه، هرگز مناسب گروه سنی نوجوانان نیست و سریال اعضا نیز برای گروه سنی کودکان، تبعات نامناسب روانی در پی دارد؛ در حالی که زمان‌بندی این برنامه‌ها تاکنون به گونه‌ای بوده است که نوجوانان از مخاطبان پیگیر این سریال‌ها بودند که قطعاً تبعات منفی آن، بعدها روی خواهد نمود.

شایسته است مدیران ارشد سازمان، فراتر از برنامه‌های ترکیبی، پروژهای جدی مذهبی را برای گروه‌های مختلف مخاطبان، به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان برنامه‌ریزی کنند تا این سنت نیکوی رسانه‌ای از نظام توزیع مناسبی برخوردار گردد.

۲. چرا سریال‌های ماه رمضان، در عین برخوردار بودن از مضامین ارزشمند، هنوز از تنوع مطلوب، مضمونی فاصله دارند؟ در حالی که باید مناسب با حال و هوای معنوی ماه صیام مضمون‌های متنوع اولویت‌بندی شوند و بنا بر اولویت‌های مذهبی و اجتماعی، با پرداخت مناسب



هنری ارائه کردند. پسندیده نیست که هر روز، حدود یک ساعت از وقت روزمداران و زمانی بیش از آن، به درگیری ذهنی آنان با سریال‌هایی از جنس سریال‌های سبک‌نود قسمتی اختصاص یابد. با آنکه بسیاری از سریال‌ها از کیفیت درخور توجهی برخوردار بودند؛ ولی برخی از آنها از این آسیب مصون نبودند و سطح کارهای منهدی را مخدوش ساختند.

در برخی از سریال‌ها نیز تراکم و ازدحام مضامین و اسطوره‌ها بر سیر دراماتیکه کردن و چیدمان شخصیت‌ها، در نسبتی مناسب با مضمون و خط اصلی داستان، آسیب وارد کرده و موجب پیریشانی روایت و آشفتگی انتقال حسی درون‌مایهٔ سریال شده بود.

۳. سیر عملیاتی پیش‌تولید و تولید سریال‌های ماه رمضان، ناهنجار و نابسامان است. در این چند ساله حکایت تکراری این سریال‌ها همان عدم مدیریت به موقع و اجرای شتاب‌زده است. همهٔ عوامل و مدیران از شروع دیر هنگام تولید سریال‌ها شکوه و گلایه دارند و غریب اینکه این روند همچنان پی گرفته می‌شود. مخاطبان واقعاً درمنازدهند که آیا مسئولان بخشیدن به این روند غلط، خود تماشاگران هستند که باید بتوان کاستی‌های موجود در سریال‌ها را به دلیل ضابط و خطا و عدم مدیریت به هنگام بدهند؟ گویا قرار است تماشاگران به دلیل این شتاب‌زدگی و عدم مدیریت زمان، به عوامل و مدیران رسانه پاسخگو باشند!

چنین روند شتابناک و عجولانه‌ای در مراحل تصویب و اجرای سریال‌های رمضان، برای مخاطبان، غیرقابل فهم و نپذیرفتنی است. سریال‌هایی با این مضامین بلند و پیچیده نیازمند دقت نظر و کارشناسی فراوان است. این روند نادرستی است که این سریال‌ها به شیوهٔ برنامه‌های نود قسمتی، به روز نوشته شوند و در همان روز اجرا و تدوین گردند؛ زیرا این امر در نهایت موجب کاستی‌ها و اشتباهات بسیار می‌گردد و به مسائل حاشیه‌ای و نامناسب اجتماعی پیرامون این سریال‌ها دامن می‌زند.

۴. با توجه به اقبال عمومی سریال‌های منهدی، به تدریج، همهٔ شبکه‌ها تولید چنین سریال‌هایی را در دستور کار قرار دادند. در سال‌های پیش، حتی به لحاظ مضمون و موضوع نیز تکنیک مناسبی اعمال نمی‌شد و مضامین و رویکردهای این گونه سریال‌ها، گاه به یکدیگر بسیار شبیه می‌گردید؛ ولی امسال با تعدی مناسب، رویکردها و محورهای سریال‌ها تا حدودی تکنیک شد و از قرابت آزار دهندهٔ این سریال‌ها پرهیز گردید.

اما مسئلهٔ اصلی این است که اساساً رویکرد کمتی موجود به یک گونهٔ نمایشی با مخاطب عمومی، صحیح نیست. بخش چهار سریال منهدی در هر شب افزون بر برخی فیلم‌ها و سریال‌های هنگی و معموله از سوی مخاطبان را به گونه‌ای نامحسوس، از حضور در مساجد و برنامه‌های سنتی ماه رمضان باز می‌دارد و از سوی دیگر و مهم‌تر از آن، ذهن تماشاگران را

آشناخته می‌کند. مگر یک نفر چندر توان ذهنی و روانی دارد که در عین روزمداری و تعقیب برخی سریال‌های معموله، هر روز سه یا چهار سریال مذهبی را پیگیری کند و سیر رویدادها، شخصیت‌های گوناگون و تحولات آنها را به ذهن بسپارد و با فضای دراماتیک آن، درگیری حسی و روانی پیدا کند. از دحام چندین سریال پرهیجان روزانه، گاهی سبب تداخل‌های ارتباط‌شناختی میان داستان‌های مختلف، شخصیت‌های متفاوت و... می‌گردد.

مهم‌تر از موارد بالا، گاهی سریال‌های هر شبی دارای مضامین گوناگونی هستند که در برخی نقاطه تداخل دارند و یک مسئله، همزمان به چند گونه‌ی متفاوت مطرح می‌شود. این امر موجب تداخل و پریشانی شناختی و معرفتی مخاطبان در برخورد با مسائل دینی و مذهبی می‌گردد.

۵. پایان‌بندی سریال‌های رمضان نیز حکایت دیگری است که حتی گاه دستمایه طنز و شوخی‌های جمعی مردم می‌گردد. این که در قسمت‌های پایانی سریال، شمار زیادی از شخصیت‌های داستان دچار تحولات عمیق و سریع می‌شوند و تعداد زیادی از جوانان و پسران جوانی همسر به هم می‌رسند و در عید فطر، مراسم عروسی خود را با خوش‌باشی دم‌ستی، از سر می‌گذرانند، برای عموم تماشاگران قابل پیش‌بینی است.

این شیوه‌ی پایان‌بندی که از خلاقیت‌های لازم برخوردار نیست، در نهایت، به باز تولید گونه‌ای تازه از ذائقه‌ی فیلم‌فارسی و فیلم‌هندی‌پسند می‌انجامد که با فخامت و بلندای ارجمند معارف دینی سازگار نیست و نوعی ساده‌انگاری مذهبی و دین‌عافیت‌اندیش و سطحی را دامن می‌زند.

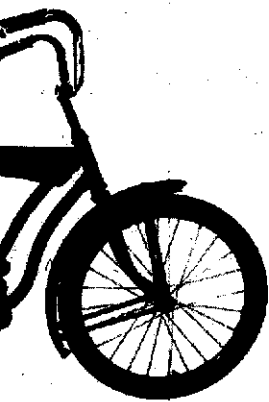
البته این نباید بدان معنا تلقی شود که پایان‌بندی فیلم‌ها و سریال‌ها به سوی نوعی سیامانگاری و یأس جریان یابد. به یقین، امید، قرین ایمان است و رسانه‌ی ملی باید روح امید و روشن‌نگری و آینده‌ای پر خیر را در جان بینندگان خود بدمد؛ اما توجه به این نکته ضروری است که اگر امید را با پایان‌بندی خوش‌بینانه و دم‌دستی اشتباه بگیریم، از واقعیت حیات دینی غافل خواهیم شد و مخاطبان را به عناصری شکننده، رؤیایی و فارغ از ابتلائات این جهانی بدل خواهیم ساخت.

برای رسیدن به نقطه‌ای مطلوب در پایان‌بندی فیلم‌های دینی، فیلم‌سازان و فیلم‌نام‌نویسان باید با مجاهدتی درونی، به نقطه‌ای از خلاقیت برسند که بتوانند روح تشنه، اما دیررسند مخاطب امروزی را اکتاع سازند.

۶. یکی از گره‌گاه‌های عمده‌ی سریال‌های مذهبی فقدان سازوکار مناسب برای پژوهش و کارشناسی این گونه‌ی سریال‌هاست. فیلم و سریال، به اقتضای موضوع، نیازمند کارشناسان مرتبط است، برخی فیلم‌ها دارای کارشناس نظامی، پزشکی، حقوقی و... هستند.

برخی کارشناس مذهبی را نیز از جنس همین کارشناسان می‌بندارند که برای پرداخت صحیح برخی جزئیات نظامی، پزشکی و... به کار گرفته می‌شوند. حتی برخی در سطحی





پایین تر از این، مسائل مذهبی و دینی را چنان معمولی و در دسترس می‌پندارند که برای کارشناس مذهبی، شأنی کمتر از جایگاه کارشناس انتظامی و ... قائلند و حتی نیازی به حضور کارشناس مذهبی حس نمی‌کنند و خود عهده‌دار این امر می‌شوند.

این ساده‌انگاری در تلقی جایگاه کارشناس مذهبی چنان دامن‌گیر رسانه ملی شده که به جز برخی سریال‌های ماه رمضان و سریال‌های تاریخی، هیچ یک از فیلم‌ها و سریال‌ها دارای کارشناس مذهبی نیستند؛ در حالی که بسیاری از این فیلم‌ها از تم و مضمون مذهبی نیز برخوردارند.

بر خلاف این رویه نادرست، مسائل و درون‌مایه‌های مذهبی از پیچیدگی بیشتری برخوردارند. آموزه‌های دینی و معارف الهی ذاتاً دارای سطوح و مراتب معرفتی گوناگون هستند. ضمن اینکه منظومه معرفت دینی دارای چنان شبکه‌ای متداخل و درهم‌تنیده و متعالی است که مردم و متدینان همواره حضور روحانیان و کارشناسان دینی را در جزه جزه زندگی اجتماعی خویش ضروری می‌دانند. از سوی دیگر، جامعه دینی ایران به مسائل مذهبی حساسیتی ویژه دارد و انحراف و تخطی از آموزه‌های دینی را نمی‌پذیرد.

با این همه اهمیت مسائل دینی، سریال‌های تلویزیون بسیار ساده از کنار این مسئله مهم می‌گذرند و معمولاً در ایام ماه مبارک رمضان، سوء تفاهم‌های مذهبی پیرامون سریال‌های دینی رخ می‌نماید؛ تا آنجا که برخی شخصیت‌های مذهبی موضع‌گیری می‌کنند و عوامل برنامه و مدیران شبکه را پس از پخش سریال‌ها، مجبور به ترقیب دادن برنامه‌ها و بیانات توجیهی می‌کنند.

امروزه بر اهل تحقیق روشن شده که صداوسیما در فرآیند کارشناسی مذهبی، به ویژه در سریال‌های مذهبی - سازوکاری مناسب ندارد و کارشناسان دینی حضوری کم‌رنگ با شعاع تأثیر بسیار محدود دارند و گاهی فیلم‌نامنویسان و کارگردانان، به نهانه اقتضافات دراماتیک از برخی مسلمات دینی چشم می‌پوشند و برای جذابیت‌های داستانی و تصویری، به راحتی الزامات آموزه‌های دینی را نادیده می‌گیرند.

به رغم وضع نابسامان موجود کارشناسی مذهبی برای تلویزیون از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی پژوهش‌های معمول و موجود دینی نمی‌تواند جزئیات لازم در فیلم‌نامه‌ها و چگونگی تصویربرداری را تأمین کند و باید برای هر سریال پژوهش ویژه و سنگینی به انجام رسانید. این جزئیات مذهبی و روابط پیچیده داستانی در موضوعات دینی، چنان دقیق است که نیازمند کارشناسان دینی ورزیده و آشنا به اصول و فروع پرشمار معارف دینی است. این کارشناسان دینی، افزون بر علوم دینی، باید بر اقتضافات رساندنی و الزامات هنری نیز اشراف

داشته باشند تا منجر به تولید فیلم‌هایی کم‌غلط و تأثیرگذار در حوزه دین گردند. به هر روی، جمهوری اسلامی نظامی متفاوت پیش چشم جهانیان نشانده که تجربه‌های خلاف آمد و مستقل در عرصه قدرت سیاسی، روابط بین‌الملل و فرهنگ دینی و میهنی را عرضه می‌دارد. این تجربه برای آزادگان جهان، به ویژه مسلمانان جهان اسلام بسیار جالب است و اینان با دقت و توجه، نقش و عملکرد نظام دینی ایران در شئون مختلف زندگی مردم را پیگیری می‌کنند.

رسانه تلویزیون آئینه بازتابنده این نقش بی‌بدیل جمهوری اسلامی است. اگر مدیران و هنرمندان این رسانه مؤثر بتوانند به نیکی، از عهده چنین رسالت خطیری برآیند، الهامبخش مسلمانان خواهند شد و فرهنگ اسلام ناب را در بلبشوی تفرقه و سوء تفاهات، عیان خواهند کرد؛ اما اگر در بیان هنری و رسانهای، دچار لکننت یا تبیین نادرست گردند، بر سوء تفاهات موجود دامن خواهند زد و جایگاه موجود نظام جمهوری اسلامی را در میان دیگر ملل مسلمان، مخدوش خواهند کرد.

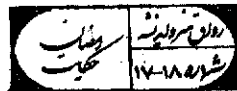
امروزه، شبکه‌های مختلف، سریال‌های صداوسیما، جمهوری اسلامی را به زبان‌های گوناگون پخش می‌کنند و این فرصتی است که می‌تواند در پیش‌برد اهداف فرهنگی، دینی و میهنی مؤثر باشد.

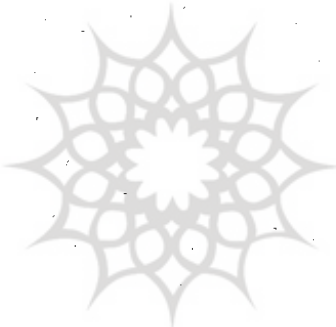
افزون بر این، صنایع فرهنگی، به ویژه پخش لوح‌های فشرده سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی با دویله دیگر زبان‌ها رایج شده است؛ به ویژه کشورهای مجاور و کشورهای که با ما قرابت فرهنگی و مذهبی دارند، به صورت‌های مختلف، از این محصولات فرهنگی و هنری بهره می‌گیرند.

با توجه به اهمیت فیلم‌ها و سریال‌های جمهوری اسلامی، به ویژه سریال‌های مذهبی، تطابق دقیق و کامل آنها با مبانی دینی و اصول روشن اسلامی بسیار اهمیت می‌یابد و هر گونه عدول و انحراف از این مبانی، تبعات نامناسب فراملی خواهد داشت.

در پایان، بار دیگر باید یادآور شد که روند رو به رشد کمیت و کیفیت سریال‌های مذهبی امری مبارک است که باید آن را ارج نهاد و به امکانات و زمینه‌های مناسب فرهنگی مترتب بر آن، به دیده فرصت نگریست. انتقاد از این سریال‌ها بدان جهت است که از این فرصت، بهره‌ای بیشتر گرفته شود تا این سریال‌ها، به مثابه سفیران فرهنگی و دینی، با جان و اندیشه مخاطبان ملی و جهانی پیوند یابند.

در پناه حق





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

انظر، ص ۱۰۰

